

ذکر در سوره مبارکه ق

ارائه: الناز ابراهیمی

رمضان ۱۴۴۵

○ آیات ۱ تا ۴ کسانی که ذکر ندارند و در امر **مریج** هستند.

○ بلافاصله میگوید که مگر به **آسمان نگاه** نمیکنند؟ و نشانه های طبیعی را مثال می زند.

○ و در آیه ۸ می گوید این ذکری برای انسان **منیب** است. (باران بهاری سودمند، انابه)

○ و دوباره نمونه های دیگری می آورد، **باران، نخل**، و زنده شدن زمین به وسیله ی آب.

○ و دوباره به وصف کسانی میپردازد که ذکر ندارند و اهل **تکذیب** هستند.

از آیه ۱۶ در مورد سکرات موت سخن میگوید و جهنم برای کسی که اهل ذکر و خشیت نیست. و واژگان **عنید** و **مناع للخیر** و **مریب** رو در موردش به کار میبرد.

از آیه ۲۰ وصف متقینی که به بهشت وارد میشوند و با این الفاظ وصف میشوند؛ **اوّاب حفیظ، خشی الرحمن بالغیب، قلب منیب**.

○ آیه ۳۶ نتیجه ی داشتن ذکر:

○ **إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ**
○ جایگاه ذکر قلب است.

○ آیه ۳۹، در شب مشغول عبادت میشود و سجده میکند.

○ آیه آخر، با قرآن متذکر ساز هر کس که از وعید می ترسد.

مریج / مریب و اواب / منیب

○ مریج و مریب دچار سرگردانی و تردید و عدم اتصال با سر منشا و گمگشتگی، قلبشان دچار وسوسه است و چشم و گوششان درست کار نمیکنند، آیات را نمیبینند و خشیت ندارند، سجده هم نمیکنند.

○ اواب و منیب: مراقب و مواظب، دارای ارتباط و اتصال دائمی با حق یا سماء، یا قلب دارند یا از چشم و گوششان درست استفاده میکنند و آیات را میبینند و سجده میکنند.

ذکر در سوره مبارکه مریم

ارائه: الناز ابراهیمی

رمضان ۱۴۴۵

• ابتدا به داستان زکریا و یحیی و قصه مریم و عیسی و سرگذشت ابراهیم و اسحاق و یعقوب و ماجرای موسی و هارون و داستان اسماعیل و حکایت ادريس و سهمی که به هر یک از ایشان از نعمت ولایت داده - که یا نبوت بوده و یا صدق و اخلاص - اشاره کرده. آنگاه علت این عنایت را چنین بیان فرموده که این بزرگواران خصلت های برجسته ای داشته اند از آن جمله نسبت به پروردگارشان خاضع و خاشع بودند.

• ولی اخلاف ایشان از یاد خدا اعراض نموده در توجه به پروردگار به بی اعتناء شدند، و به جای آن دنبال شهوت را گرفتند به همین جهت به زودی حالت (غی) را که همان از دست دادن رشد است پیدا می کنند.

• مگر آنکه کسی از ایشان توبه کند و به پروردگار خود بازگشت نماید که او سرانجام به اهل نعمت می پیوندد.

• سپس نمونه هایی از لغزشهای اهل غی و زورگویی های آنان و آرای خارج از منطقشان از قبیل نفی معاد، و به خدا نسبت پسر داری دادن، و بت پرستیدن و آنچه که از لوازم این لغزش ها است از نکبت و عذاب را خاطر نشان می سازد.

- این سوره مردم را به سه طائفه تقسیم می کند:
- آنهایی که خدا انعامشان کرد که یا انبیاء بودند و یا اهل اجتباء و هدایت.
- اهل غی، یعنی آنهایی که مایه و استعداد رشد خود را از دست دادند.
- آن کسانی که توبه نموده ایمان آوردند، و عمل صالح کردند که به زودی به اهل نعمت و رشد می پیوندند. و آنگاه ثواب توبه تائبین و عذاب غاویان که همنشینان شیطان و از اولیای اویند - را تذکر می دهد.

فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ أَن سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا (۱۱)

• محراب عبادت را از این جهت محراب گفته اند که شخصی که در آن متوجه خدا گشته در حقیقت به جنگ شیطان رفته است، و بر سر نمازش با شیطان محاربه دارد.

• آنجا که زبان زکریا بند می‌آید، با اشاره به مردم سفارش می‌کند که خدا را تسبیح کنید.

قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتُ تَقِيًّا (۱۸)

• پناه و مراجعه ی دائمی به پروردگار و آگاهی بر اینکه در هر شرایطی به کدام اسم یا صفت پناه ببریم.

إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (۳۶)

- صراط مستقیم یک راه بیشتر نیست!
- شناخت رب، که به تنهایی هم امکان پذیر نیست.
- عبد بودن.
- به میزان شناخت، عبودیت هم سرراست تر میشود.

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا (٤٢)

• نداشتن سمع و بصر!

قال أَرَاغِبٌ أَنْتَ عَنُ أَلِہْتِیَ یَا اِبْرَاهِیْمُ لَئِن لَّمْ تَنْتَهِ لَأَرْجُمَنَّکَ وَاهْجُرْنِی مَلِیًّا (۴۶)

- این قصه ها رو میشنویم و فکر میکنیم آسونه
- از اقربا شروع کردن سخته!
- ترک خانواده سخته!
- مخالفت با خانواده و سنت های غلط سخته!
- این ابتدایی ترین کارهایی بوده که انبیا کرده اند.
- ما باید ظرف وجودی مون رو طوری وسعت بدیم که جا بگذاریم جای پای رسول.
- بیشتر انبیا و برخی امامان با نزدیکانشون امتحان شدن! نوح، موسی، ابراهیم، یعقوب...

• سپس موسی را با صفت مخلص، اسماعیل را با صادق الوعد و کسی که به نماز و زکات امر میکند و خدایش از او خوشنود است معرفی میکند.

• ادریس را صدیق و نوح و یعقوب را هم یاد میکند که وقتی آیات خدا بر آن ها خوانده می شد خروا سجدا و بکیا می گشتند. آیه ۵۸

- و گروه مخالف آن ها
- نماز را ضایع کردند
- و از شهوات تبعیت کردند
- تا حالت غی پیدا کردند.

مگر کسانی که...

توبه کردند